



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين ابد الآبدين

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: فلا أقسم بمواقع النجوم وإنه لقسر لو تعلمون عظيم

افق مینای مرسولات نجومی: ساعت جهانی KMT مکه مکرمه کعبه مشرفه

هفتم نامہ

راہ آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تخیم اسلامی

تہ و تدوین: پروفیسر سکندہ علوم نجوم و تخیم بنیاد حیات اعلیٰ

بنیاد حیات اعلیٰ
پروہشتکارہ نجوم و تخیم

ہفتہ نامہ راہ آسمان شمارہ: بیست و ششم

ہشتم ربیع الاول ۱۴۲۸ = ۷ فروردین ۱۳۸۶ = ۲۷ مارچ ۲۰۰۷

آئین، سنگام سرور اهل حق

سؤال:

ما الآن در آستانه اعیاد ربیع الأول و ایام شادی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله هستیم، در کلام خاندان وحی (علیهم السلام) نیز فضیلت عید گرفتن توصیه شده است، می خواستم راهنمایی بنمائید که چگونه مجلس شادی و سرور بر پا کنیم که منظور نظر حضرت حق باشد؟ نحوه درست برپایی

مجلس

سرور؛ و

روش

صحیح

شاد نمودن

اهل حق

چگونه

است؟





إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جواب:

1- شخص عارف و دانا، در دریافت حقایق و معارف و نیز پیاده نمودن تعالیم نورانی؛ به دنبال رهنمود و هدایت حقانی بوده، نه اینکه بر اساس سلیقه و عادت و میل و هوای خویش؛ یا عوام (قوم و قبیله و شهر و ملت و کشور)؛ معارف را تفسیر کرده یا عملش را تطبیق کند.

بسیاری که خود را پیرو مذهب حق می دانند؛ ممکن است عناوین مسائل را از شرع بگیرند؛ ولی تعیین کننده مصداق و تفسیر و چگونگی این عناوین نزد آنها؛ همانا سلیقه و مذاق و عادت خودشان یا قومشان می باشد، دستور العمل عید گرفتن و جشن و ادخال سرور را از دین گرفته؛ ولی اینکه این عید گرفتن یا جشن یا ادخال سرور چگونه باشد؛ این را به سلیقه خودشان عمل می کنند، این روش نوعاً با خطا و انحراف قرین است.

شخص روشن و آگاه؛ همواره سعی می کند که همه تفصیل را از آیین حق بگیرد، و ملاحظه میل و عادت خود و دیگران را نکرده بلکه آنها را بر اساس آیین حق تصحیح نماید، همچنانکه از سؤال شما بر می آید، و از این جهت است که شما تفصیل روش و نحوه جشن و عید گرفتن و ادخال سرور را پرسیده اید.

2- غرایز و رغبتها و نیازهای بسیاری در آدمی هست که بطور کلی مذموم

نبوده، بلکه نحوه تأمین و تحصیل آنهاست که می تواند با بکارگیری روشی نادرست؛ تباه کننده و مذموم بوده، و می تواند با بکار بستن روشی صحیح؛ رشد آفرین و ممدوح باشد، مانند غریزه خوردن و نوشیدن، و نگاه و تفرّج و مباشرت و انس حالی و کلامی و شادی و شادمانی و وجد و ذوق...، که همه اینها به حکمت الهیه در انسان تعبیه شده و نفی کلی آن خلاف تقویم احسن الهی است، این غرایز و رغبتها و نیازها اگر به هدایت نورانی وحی بکار گرفته شوند؛ می تواند شخص را ضمن ارضای رغبت و تأمین نیاز او؛ به اوج رشد و کمال وی نیز برساند، همچنانکه بر خلاف آن؛ با لجام گسیختگی یا پیروی هوای نفس یا تبعیت از گرایش خلق؛ موجب انحطاط و آسیب و هلاکت تن و جان انسان گردد، در هر دو قسم ارضای رغبت و غریزه شده، ولی یکی به بیماری تن و کدورت جان منجر شود، و دیگری به نشاط و رشد بدن و قوت روح و روان منتهی گردد، سرور و شادی و شادمانی نیز از همین قبیل است.

3- شروع مجالس سرور و شادی اهل حق و روند برگزاری آن؛ همواره در جهت یاد حق و نورانیت و پاکی اهل حق باید باشد، و همه اینها با فضای فرح و انبساط خاطر و سرور و شادی و وجد و ذوق موافقت دارد، توهم اینکه مجالس دینی منحصر به تذکر غم و یا بیان مصایب است؛ صحیح نمی

باشد .

4- بجای آوردن اعمال عبادی مفصل این اعیاد بطور فردی؛ و انجام برنامه های مختصر این مناسبات در مجالس جمعی؛ همراه با اذکار تولا و تبرّا، بطور فردی و جمعی از دیگر آیینهای هنگام سرور و شادی است .

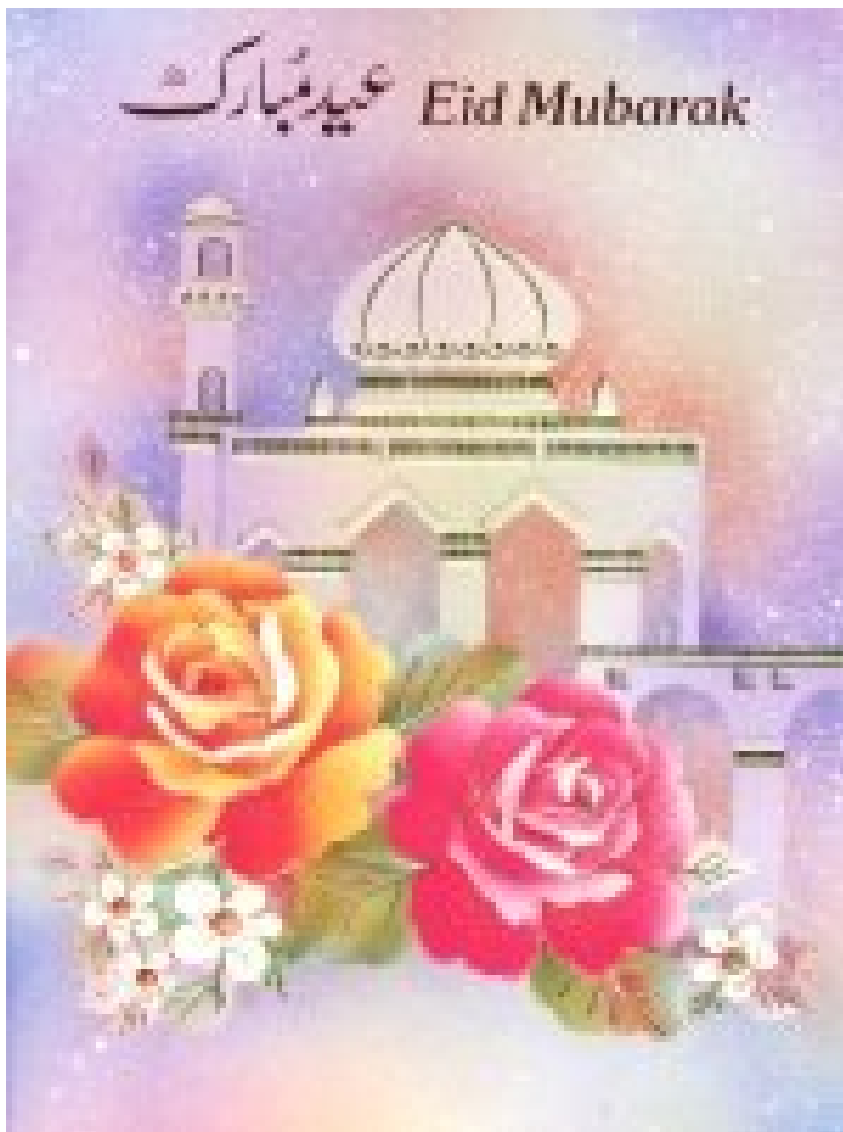
5- برگزاری مجالس اعیاد برائت و یا برنامه های تبری در مجالس عمومی دینی با ملاحظه اصل مهم رازپوشی و کتمان و تقیه انجام بگیرد، که با توجه به اختلاط مردم گوناگون و بارز نبودن نشانه های بیگانگی از ظاهر افراد، و تشابه لباس و رفتارهای عموم مردم؛ لزوم رعایت این امر و دقت در اجرای آن نیاز به تدابیر هوشمندانه و تلاشهای مجدانه است .

6- برنامه مهم مجالس اعیاد: بیان کلام وحی و خازنان وحی (علیهم السلام) در معرفت بایسته و شایسته مربوط به آن مناسبت بوده، و نتیجه اش افزودن آگاهی و معرفت؛ و بالتبع ولایت و پیروی حاضرین نسبت به حضرات (علیهم السلام) باشد .

7- خواندن اشعار حقانی؛ با نوای روحانی؛ و الحان ایمانی؛ و بکاربردن نغمه های روح انگیز؛ نه تنها اشکالی نداشته بلکه بسیار نیکو و مجابوده؛ بلکه از برنامه های این مجالس است .

8- بیان نکات و ظرایف و لطایف پاکیزه و پیراسته؛ که ضمن رشد

روشنایی و پاکی اهل مجلس؛ موجب شگفتگی و انبساط خاطر و فرح و شادی و سرور ایشان بشود؛ از نشانه های اینگونه مجالس است.



9- خندانن و خوشحال کردن با مزاح و شوخی و نکته و لطیفه خودش هنری بسیار دقیق است، که سرمایه علمی و دانش و بینش گوناگون می‌طلبد، که برخی بر حسب استعداد ذاتی یا موروثی و برخی کسبی و تعلیمی آنرا دارا هستند، شخص فرح بخش باید افزون بر دانستن نکات و لطایف و ظرایف مفید و صحیح؛ مخاطب و مجلس و هنگام مناسب را نیز خوب بشناسد، که در صورت بکارگیری مهارت لازم؛ با کمتر تلاشی و کوچکترین نکته ای؛ مخاطب شکفته گشته و منبسط و مسرور می‌گردد، و تنها در صورت ضعف و عدم مهارت و قلت دانش و بینش است که: شخص برای خندانن مخاطب به تکلف مبتلا شده و با بکارگیری زشت و ناسره و استهزاء این و سخره آن؛ برای انبساط خاطر مخاطب دست و پا زده و تقلا می‌کند.

10- باید بدانیم که طنز و شوخی و فکاهیات و مطایبات؛ یک رشته موضوع و مطلب نیست، بلکه یک نحوه ادای مقصود و یک نوع رساندن مطلب و یک روش بیان می‌باشد، با توجه به همین نکته است، که مهاجمین فرهنگی چه از ملحدین و بی‌دینان گرفته تا پوچ‌گرایان و انحطاط‌گرایان از این وسیله برای زیر سؤال بردن مقدسات و ارکان دین یا وهن و تخریب

نمادهای محترم دینی همواره کمک گرفته، و هم اکنون نیز برای ضعیف کردن ایمان و اراده اهل ایمان از این رشته بسیار بهره می گیرند. از گذشته تا به امروز؛ همواره یکی از روشهای نفوذ و تهاجم عقیدتی و فرهنگی به جوامع معتقد و پایبند؛ زبان طنز و لطیفه و ضرب المثل بوده است.

مثلا در میان مردم ایران که از ابتدای طلوع مکتب حق و جلوه گری سیمای نورانی اهل بیت (علیهم السلام) شیفته و دلبسته آن گردیده و پیشگام دلدادگی و پیروی حضرات معصومین (علیهم السلام) شدند، می بینیم که در دوره سلطه عمریان بجز از کشتارهای دسته جمعی شهرهایی چون سبزوار و قتل عامهای گروهی و شکنجه و آزارها و انواع اختناق و فشارهایی که در برخی موارد ناچار از کمان آیین حق گردیده، و گرایش خود را به عشق و پیروی مولا عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان پاک را؛ (در لباس طریقه های عرفانی؛ یا مذهبی که امامش همچون شافعی در ارادت به مولا عَلَيْهِ السَّلَامُ و آل الله مشهور بوده) پوشانده اند، ولی چون دشمنان از این ارادت و پیروی مخفیانه ایرانیان؛ آگاه بودند، لذا به کمان و عنوان اضطرابی تحت شرایط تقيه آنها راضی نشده؛ و چون هر گونه فشار و برخورد صریح موجب عمیقتر شدن رابطه مردم ایران به آیین

حق می گردید؛ لذا دشمنان به روشهای غیر محسوس روی آورده؛ و با استفاده از اموری چون طنز و فکاهی و ضرب المثل که زمینه رواجش در عامه ناس زیاد بوده، و به اقتضای میل طبع به فکاهیات موجب سرعت نقل و رواج آن گردیده، و از طرفی مطرح شدن به زبان شوخی مانع جدی تلقی شدن آن غالباً می شود، نقشه های شوم خود را دنبال کردند، برای اینکه بتوانند این ارادت و پیروی را؛ بطور غیر محسوس یا سست نموده یا لا اقل از تقدس آن بکاهند.

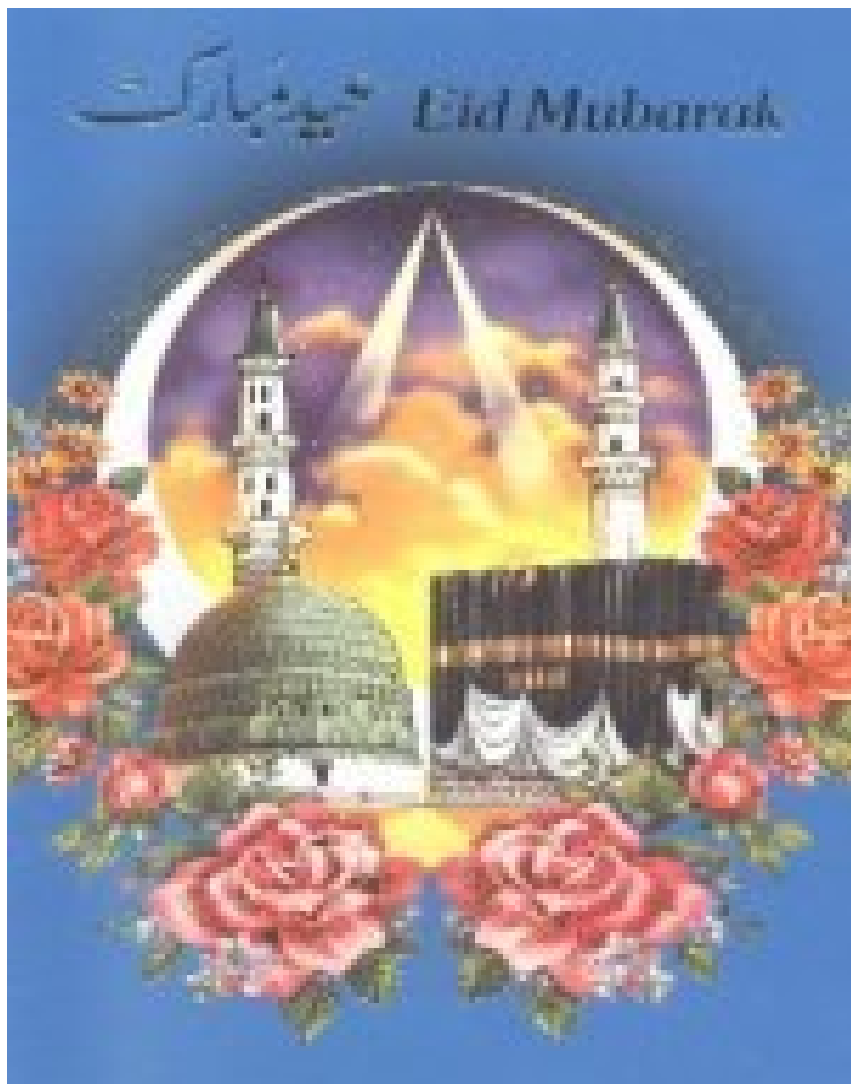
نمونه های آن بسیار است، و نقل تفصیل آن خود ترویج این باطل و کمکی به این تهاجم عقیدتی و فرهنگی است، ولی به اشاره می گویم تا هم مطلب بهتر روشن شده و هم محذور نباشد، رواج ضرب المثلهایی مانند: خودت را به کوچه ... چپ زن، این برای ... تنبان نمی شود، یا ... کچل، این متلها در محیط ارادت به حضرت مولا عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام و سایر خاندان پاک (علیهم السلام)، و انتخاب این نامها از میان صدها نام متداول چیزی جز وهن و هدم مرموزانه معتقدات و مقدسات ایرانیان نیست، اگر اینها در محیط دشمنان متداول بود، طبیعی بوده و بر اساس عقیده باطلشان بود، ولی رواجش در میان ارادتمندان و پیروان بسیار حساب شده؛ و تن

دادن ما مردم و عدم هوشیاری ما؛ بستر جریان این تهاجمات بوده است. چرا متداول نشده: کوچه ضحاک چپ؟! که ایرانی نامسلمان و مسلمان از او بیزار است! یا کوچه خسرو یا پرویز چپ؟! همانکه نامه پیامبر ﷺ را پاره کرد و جسارتها نمود! یا نامی از دشمنان حق و اهل حق در آنها برده نشده است؟! این اقدام دشمن طبیعی است، ولی این غفلت دوستان غیر طبیعی است.

اگر دقت نماییم؛ امروزه هم اینگونه طنزها و مثلهای تهاجمی به معتقدات و مقدسات؛ مرتبا ساخته و نشر داده می شود، بلکه با توسعه ارتباطات و تشدید تهاجم استکبار و کفار و بی دینان و دشمنان حق؛ حجم آن نیز بسیار افزایش یافته است، لذا بسیار باید هوشیار باشیم، تا مبادا ناخواسته در دام دشمنان خدا و دین و مولا ﷺ و آیین حق افتاده و در زمره آنها باشیم (اعاذنا الله جميعا).

11- همچنین اگر به فکاهیات متداول امروزی نگاه کنیم، نوعا یا آمیخته با الفاظ زشت و شنیع بوده، که با آن طهارت اخلاقی مردم را مورد هجوم قرار می دهند، یا بر اساس استهزا و سخره ضعفها و نقصهای واقعی یا وهمی دیگران؛ تألیف شده، و یا بر اساس ترویج جدایی و عداوت بین ملتها

و یا اقوام و اقشار یک مملکت بوده؛ که همهٔ اینها زمینه ساز گستگی اقوام
مختلف یک ملت برای تجزیهٔ کشور یا تفرقهٔ قلوب ملت آن بوده، یا دشمنی بین
ملتها و کشورها را پی ریزی می کند .



12- انسان باید با نکته ای شگفته شود که: در ضمن انبساط خاطر؛ سطح آگاهی را نیز ارتقا دهد. لذا می توان گفتاری یا رفتاری را برای انبساط خاطر بکار گرفت، که خالی از ناسزا و فحش و الفاظ مستهجن و استهزاء طوایف و اقوام بوده؛ و پیراسته از وهن مقدسات و ارزشهای دینی باشد، در ضمن اینکه لغو و پوچ هم نبوده، بلکه سطح آگاهی شنونده را نیز بالا برد.

مانعی ندارد که با مطالعه تعییرات و محاورات لهجه های مختلف ضمن ارتقای دانش خود، بدون استهزاء و سخره صاحبان آن؛ شیرین کام و منبسط خاطر نیز گردید، کما اینکه می توان بر عکس با استهزاء و سخره لهجه غیر مأنوس؛ هم کمی خنده مصنوعی کرده و عوارض تدریجی سوء آنرا نیز مبتلا شد، که اولی مطلوب و دومی محذور است. یعنی یک ماده در دو قالب و روش متضاد قابل بکارگیری است.

13- در این ایام و این گونه مجالس همانند سایر اوقات؛ مبدا به بهانه ایجاد انبساط خاطر؛ گفتاری یا رفتاری انجام بگیرد که سبب تخفیف و اهانت یا خجالت یکی از حاضرین یا سایر اهل حق بشود.

14- هر چند مناسبات شادی و سرور حقانی و اعیاد اهل حق؛ لازمه اش خوشی و شادمانی است، ولیکن مؤمن اهل مراقبه دل، نبایستی از

ذکر عظمت و جلال حق غافل شده؛ و بایستی در اوج فرح و شادی خود؛ در درون خود با توجهی به حق؛ انقیاد خود را تأکید نموده و از حضرتش بخواهد که این احوال او را غفلت نشمرد، ولذاست که توصیه فرمودند که در این حال بگوید: اللهم لا تمقتنا (بار الها ما را دشمن مدار).



15- در اعیاد بزرگ (عید ولایت: غدیر، عید براءت: نهم ربیع) اگر حق تعالی از روی کرم و عطا بر بندگانش؛ به ملائکه خود می فرماید که: تا سه روز در نوشتن لغزشها دست نگه دارند، این جلوه ای از لطف و احسان اوست، نه اینکه بهانه نافرمانی و لجام گسیختگی است، بنده راستین حق در همین فرصتهاست که می تواند عبودیتش را به درگاه حق عرضه نماید، یعنی که حتی وقتی کرام الکاتبین هم نمی نویسند؛ من دنبال نافرمانیت نبوده بلکه به دنبال بندگیت هستم، حق تعالی فرموده که: در این اوقات محرمات حلال می شود! بلکه توصیه های وارده (مانند آنچه گذشت) در جهت تعمیق و

ژرفایی بیشتر پاکی و نورانیت بندگان خداست. . توهم یا طرح این گونه برداشتها یا تفسیرهای غلط؛ ناشی از اذهان منکرین معارف و یا نفوس ضعیفه است؛ که می خواهند اصل این مناسبتها و فضایلش را زیر سؤال ببرند .

16- پذیرایی حاضرین با انواع نوشیدنیها و خوردنیهای طیب و طاهر؛ از آداب مهمه این مجالس است .

17- دادن صله (عیدی) و انعام و جایزه در این ایام و این مجالس، از توفیقات بزرگ معنوی بوده؛ که در سفارشها و توصیه های خاندان وحی (علیهم السلام) بر آن بسیار تأکید شده؛ که اصل انجام آن ارزشمند بوده و در گرو کمیت و اندازه و مبلغ نیست .

18- در بیان خاندان وحی (علیهم السلام) آمده است که: هر روز که در آن خداوند را نافرمانی نکنی آنروز روز عید است، بجز از این ملاک، عید بزرگ ولایت (غدیر خم) و عید بزرگ برائت (نهم ربیع الأول) و سایر اعیاد ولایت (ایام میلاد حضرات و فتح و نصرت حق) و سایر اعیاد برائت (هلاک طواغیت و اضداد حق) در کنار روز جمعه و عید فطر و قربان؛ همه و همه از عیدهای اهل حق می باشند .

سؤال: کف و دف زدن در مراسم شادی اهل بیت علیهم السلام چه حکمی

دارد؟ در مراسمی از قبیل عروسی و جشن تولد و مانند آن چطور؟

جواب: در مجالس اعیاد دینی؛ اگر نحوه آن مناسب با مجالس لهو و لغو و

اهل غفلت نباشد اشکالی ندارد، و در مجالس عروسی و ویژه زنان در

صورت محفوظ بودن از نظر مردان و نرسیدن صدایشان به ناحرمان؛ با

رعایت شرط سابق الذکر مانعی ندارد.

سؤال: نظر حضرتعالی در مورد هلله، پایکوبی، کف زدن و رقص در

مجالس شادی مانند عروسی یا مجالسی که به مناسبت میلاد ائمه اطهار

علیهم السلام برگزار می گردد چیست؟

جواب: اظهار شادی و فرح در مجالس سرور رشد آمیز؛ خاصاً اعیاد

مبارکه مدوح است، و در صورتی که به مجالس اهل غفلت و لهو و لعب

شبيه نباشد مانعی ندارد، و جُود حقیقی ناشی از ذکر حق و انس با حق

اشکالی ندارد، به خلاف موارد غیر واقعی و تصنعی که از قبیل لهویات می

باشد، رقص معمول فقط از زن برای همسرش بلا مانع است.



استخراج و تدوین

بذی حیات اعلیٰ پروہشت کلا بخور و شجر

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیۃ

۱۴۲۸

<http://hayaateaelaa.frm.ir/viewtopic.php?f=25&t=9&st=0&sk=t&sd=a&start=20>

<http://raah-aasemaan.maktoobblog.com>

<http://raah-aasemaan.blogfa.com>

Hayaat.Aelaa@laposte.net

والحمد لله رب العالمین